

## بررسی تاریخی وقفنامه شیخ علی خان زنگنه در بیستون

مقاله پژوهشی

ایرج رضائی\*

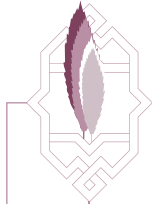


### چکیده

حدود ۳۵۰ سال پیش، شیخ علی خان زنگنه، وزیر شاه سلیمان صفوی، وقفنامه‌ای بر کوه معروف بیستون، در مسیر راه کاروان‌رو جاده ابریشم، نقر کرد که در حکم سندی بود که به صورت نسل‌اندنسل، عایدات سالیانه بخشی از زمین‌های کشاورزی دشت بیستون را به سادات فاطمی و کاروان‌سرای صفوی بیستون اختصاص می‌داد. کاروان‌سرای مذکور نیز تا اواخر دوره قاجار، عمدتاً مورد استفاده زائران عتبات بود. باتوجه به موقعیت مکانی وقفنامه مذکور، این اثر در سه قرن گذشته توسط شماری از جهانگردان ایرانی و غیر ایرانی مشاهده و توصیف شده‌است. پژوهش حاضر به صورت کتابخانه‌ای و بر اساس متون و منابع تاریخی مختلف، به بررسی متن وقفنامه مذکور و آثار مرتبط به آن از قبیل کاروان‌سرای بیستون و دهکده‌ها و مزارع وقفی مرتبط، نظرات پیرامون وقفنامه، به‌ویژه در سفرنامه‌های سه قرن گذشته، و نیز نکاتی فنی در ارتباط با کتیبه پرداخته‌است.

**واژگان کلیدی:** وقفنامه، شیخ علی خان زنگنه، صفوی، بیستون، کاروان‌سرای بیستون

۱. دانش‌آموخته دکتری باستانشناسی  
lraj.rezaie@ut.ac.ir



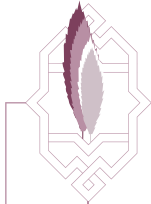
## ۱. مقدمه

وقف در اصطلاح لغوی به معنی ایستادن و آرام‌گرفتن، و در اصطلاح فقهی مقصود امور خیریه است و آنچه که کسی از ثروت خود جدا کند که در کارهای عام‌المنفعه از آن استفاده کنند؛ بنابراین موقوفه یا موقوف، عبارت است از زمین، ملک یا مستغلی که برای مقصود معینی در راه خدا اختصاص دهند و وقف‌نامه نیز عبارت است از «سند یا قبالة وقف که در آن نام ملک یا املاک موقوفه و اسم واقف و محل و خصوصیات رقبات و چگونگی مصارف آن‌ها و نام متولی و تعیین ترتیب متولیان بعد از متولی اول بیان شده باشد» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲۲: ۲۶-۲۷؛ عمید، ۱۳۸۹: ۱۰۵۴). در مجموع وقف یکی از عمده‌ترین زیرساخت‌های اقتصادی جهان اسلام است (مهدی‌نژاد و مقیمی، ۱۳۹۶: ۵۰) و موقوفات نیز، گستره وسیعی از اموال منقول و غیرمنقول از جمله اراضی مزروع، آسیاب‌ها، نهرها، مؤسسات و کارگاه‌های صنعتگری و دکان‌ها را شامل می‌شود که به سود تأسیسات مذهبی از قبیل مساجد، مدارس، خانقاه، مراقد اولیاء و سلاطین و حتی بنگاه‌های خیریه و غیره اختصاص داده شده باشد (شورمیچ، ۱۳۹۵: ۳۸).

پیشینه وقف در ایران در مفهوم اسلامی آن، به قرون نخستین دوران اسلامی بازمی‌گردد. از نیمه دوم سده چهارم هجری، هم‌زمان با عصر سامانیان برای نخستین بار از دیوان اوقاف یاد شده که به امور وقفی پرداخته است (شهابی، ۱۳۴۳: ۱۰). پس از آن نیز در دوره‌های مختلف تا به زمان حال، سنت وقف در جامعه ایرانی بی‌وقفه تداوم داشته است. در این میان، دوره صفویه بی‌تردید یکی از پررونق‌ترین دوره‌های وقف در تاریخ ایران بوده است. عمل وقف حتی در بین شاهان و مقامات بلندمرتبه سلسله مذکور نیز امری رایج بود، چنان‌که نقل است که شاه عباس اول، مقتدرترین شاه صفوی، تمامی املاک و مستغلات خود را وقف کرده بود (سیوری، ۱۳۷۲: ۱۸۲). ژان شاردن (۱۷۱۳-۱۶۴۳م)، سیاح معروف فرانسوی که در نیمه دوم قرن هفدهم میلادی، دو بار در زمان حکومت شاه عباس دوم و شاه سلیمان به ایران سفر کرد، درباره عمل وقف در دوره صفویه نوشته است: «آنان که دارایی بسیار به دست می‌آورند، و خود و فرزندان‌شان را بی‌نیاز می‌بینند، به ساختن بناهای عام‌المنفعه از قبیل مدرسه برای سکونت و تحصیل طلاب علوم دینی، و بنای کاروان‌سرا بر سر شاه‌راه‌ها که کاروانیان و مسافران رایگان در آن‌ها بیاسایند، ساختن پل و مسجد، و وقف منابع درآمدی که از محل آن طلاب روزی بخورند و صدقه داده شود،

اقدام می‌کنند. ایرانیان بنای این‌گونه آثار را ثواب آخرت می‌گویند و بر این اعتقادند که این اعمال خیر جاری است و ثوابش بر دوام است، زیرا آنان که در کاروان‌سراها رنج راه را از تن بیرون می‌کنند، یا از بالای پل آسان می‌گذرند، یا طلابی که در مدرسه سکونت می‌کنند، و از موقوفاتش روزی می‌خورند، همه در حق بانی این آثار خیر دعای خوب می‌کنند» (شاردن، ۱۳۷۲: ج ۲، ۷۷۷). به نقل از شاردن، «موقوفات در ایران جنبه تقدس دارد، و اگر کسی حتی یک روز پیش از این که شاه دارایی‌اش را مصادره کند، خانه یا دیگر مستغلاتش را وقف کرده باشد، شاه نمی‌تواند آن‌ها را تصرف و تملک کند. موقوفات معمولاً مشتمل بر زمین، خانه، مستغلات عمومی مانند دکان، کاروان‌سرا، حمام و امثال این‌ها است، و کلیه مخارج مساجد و امور خیریه از درآمدهای این موقوفات تأمین می‌گردد» (شاردن، ۱۳۷۲: ج ۴، ۱۳۴۱).

در دوره صفوی، اداره امور املاک موقوفه را شخص شاه بر عهده مقامات روحانی می‌گذاشت و خود نظارت عالی بر آنها داشت (باستانی‌پاریزی، ۱۳۶۲: ۷۴). انگلبرت کمپفر (۱۷۱۶-۱۶۵۱م)، سیاح آلمانی، که او نیز در زمان سلطنت شاه سلیمان صفوی به ایران آمد، جزئیاتی درباره وقف در دوره مذکور و مناصب مرتبط به آن چون صدر، مستوفی موقوفات و وزیر موقوفات ارائه کرده است. کمپفر نوشته است: «عمده فعالیت اداری صدر، که عالی‌ترین مقام صلاحیت‌داری است، آن است که عواید حاصل از موقوفات دینی را به مصرف صحیح خود برساند. او بر تمام مساجد، موقوفات و اماکن متبرکه ریاست فائده دارد» (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۲۱). به نقل از کمپفر اغلب شهرهای ایران در این زمان (دوره صفوی) پر است از مدرسه و موقوفه و تنها در اصفهان پایتخت حدود یک صد موقوفه قابل ملاحظه وجود دارد (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۳۹). درباره اهمیت وقف در دوره صفوی ذکر این جمله از کمپفر کفایت می‌کند که معتقد است: «شناخت درست وضع دربار ایران بدون وقوف به این قبیل تأسیسات که قسمت قابل‌توجهی از عواید دربار صرف آن‌ها می‌شود، امکان‌پذیر نیست» (همان‌جا). از دوره صفوی وقف‌نامه‌های قابل‌توجهی بر جای مانده است که عمدتاً به شرح موقوفاتی حول بناهای عمومی یا همگانی، از قبیل کاروان‌سراها، مدارس، مساجد و ... اختصاص دارند.



## ۲. پیشینه پژوهشی

درباره وقفنامه شیخ علی خان زنگنه در بیستون که موضوع مورد بحث این پژوهش است، تاکنون پژوهش‌هایی انجام و منتشر شده است. گرد گروپ، باستان‌شناس آلمانی، از این کتیبه طرحی تهیه کرد (تصویر ۳) و باستان‌شناس فقید، مسعود گلزاری نیز در کتاب کرمانشاهان - کردستان، متن کتیبه مذکور را بازخوانی و منتشر کرده است (گلزاری، ۱۳۵۷: ۴۱۱). پس از آن، اردشیر کشاورز در کتاب «زندگان عرصه عشق» که به بررسی تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی وقف در استان کرمانشاه اختصاص دارد، شرحی از وقفنامه شیخ علی خان ارائه کرده است (کشاورز، ۱۳۸۲). علاوه بر آن، سیروان محمدی قصریان و مژگان خانم‌رادی در مقاله‌ای که به بررسی سیستم آبیاری دشت بیستون اختصاص دارد، درباره موادی از وقفنامه مذکور چون نهر قراولی که به موضوع مورد نظر آن‌ها مرتبط است، بحث کرده‌اند (محمدی قصریان و خانم‌رادی، ۱۳۹۱). همچنین، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد علی‌شاه قنبری با عنوان «بررسی اقدامات، سیاسی، اداری و اقتصادی شیخ علی خان زنگنه» که در گروه تاریخ دانشگاه اراک به انجام رسیده است، مطالبی درباره وقفنامه مذکور، عمدتاً بر اساس کتاب زندگان عرصه عشق اثر کشاورز، بیان شده است (قنبری، ۱۳۹۳). پژوهش حاضر علاوه بر مرور کارهای پژوهشگران پیشین، جنبه‌های دیگری از وقفنامه مذکور را نیز بررسی کرده است، از جمله شرح نسبتاً مفصلاً از اظهارات و دیدگاه‌های سیاحان ایرانی و غیرایرانی در سه سده اخیر درباره وقفنامه مذکور و دلایل احتمالی ایجاد وقفنامه در این نقطه از کوه بیستون؛

در این پژوهش از منابع مختلف، از جمله سفرنامه‌های دوران صفوی تا قاجار، به‌ویژه سفرنامه‌های هم‌زمان با دوره حیات شیخ علی خان زنگنه، نظیر سفرنامه شاردن استفاده شده است.

## ۳. مختصری درباره شیخ علی خان زنگنه

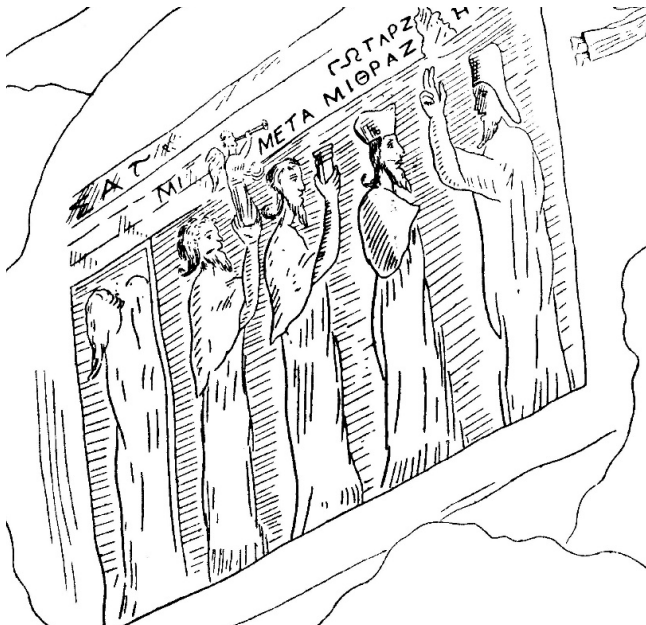
شیخ علی خان زنگنه از طایفه گُرد زنگنه بود (کمپفر، ۱۳۶۳: ۸۳). شرف‌خان بدلیسی (وفات ۱۵۹۹م)، زنگنه‌ها را یکی از سه شعبه اصلی اکراد ایران خوانده است (بدلیسی، ۱۳۷۷: ج۱، ۳۲۲). شیخ علی خان در زمان سلطنت شاه عباس دوم، عهده‌دار سمت میرآخوری شاهی بود (گلزاری و جلیلی، بی‌تا: ۱۳۰) و نیز به‌عنوان فرمانده نظامی به خراسان اعزام شد تا حملات ازبک‌ها به مناطق شمالی را متوقف کند (Matthee ۲۰۱۵). در نامه‌ای از شاه عباس دوم به شیخ علی خان زنگنه که در سال ۱۰۷۶ ه.ق نگارش یافته، شیخ علی خان، در

حکم «سردار لشکر فیروزی اثر خراسان و حاکم کلهر و سنقر» خطاب شده است (جعفریان، ۱۳۹۸: ۱۱۷). پس از آن در زمان شاه سلیمان صفوی، شیخ علی خان ابتدا به سمت «تفنگچی آقاسی» و سپس در سال ۱۰۷۹ ه. ق/۱۶۶۹م به مقام صدراعظمی برگزیده شد که به مدت بیست سال، یعنی تا سال ۱۱۰۰ ه. ق/۱۶۸۹م در این سمت باقی بود (Matthee ۲۰۱۵). به نقل از شاردن، برترین مقام دولتی در ایران صدراعظم بود که ایرانیان به آن اعتمادالدوله می‌گفتند. وی نماینده کلّ شاه در همه امور کشور بود، و هیچ یک از فرامین شاه به هر مهر که مهور شده باشد، بی تصدیق و تأیید وی اجرا نمی‌شد (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۳: ۱۲۱۱).

شاردن که از نزدیک با شیخ علی خان زنگنه ملاقات داشت، درباره ویژگی‌های ظاهری او نوشته است: شیخ علی خان پنجاه و پنج سال داشت، قامتش رشید و رسا و چهره‌اش مردانه بود. او سیل کوتاه و ریش بلند داشت و به اصول معتقدات دینی کاملاً پایبند بود. روی هم‌رفته هیکلی متناسب، برازنده، و باشکوه داشت، و چشمان درخشان و تیزنگرش بیانگر صفای باطن و تجلی‌گاه آرامش و روحانیت و وقار بود. ساده و آرام می‌نمود، و در سیمایش هیچ نشان از آشفتگی و تشویشی که معمولاً در چهره وزیران و صاحبان مناصب مهم وجود دارد، دیده نمی‌شد. به سخن دیگر در چشم و چهره‌اش نشانه‌های صفای درون، آرامش روح، آزادی و آزادگی، اندیشه‌های پاک و بی‌آلایش خوانده می‌شد. چنان به خلق‌و‌خو ساده و بری از رنگ و ریا بود که اگر کسی او را می‌دید و نمی‌شناخت، هرگز گمان نمی‌برد که وی صدراعظم، و دارای چنان منصب بزرگی است. آنان که او را از نزدیک می‌دیدند و به کنه باطن و احوالش می‌پرداختند، از سادگی و ملایمت و کرامت اخلاق، فروتنی، هوشمندی، صفای دل، مردم‌گرایی، ساده‌پوشی، و عدم توجه وی به سفره رنگین، هزاران آفرین آمیخته به شگفتی بر زبان داشتند (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۲، ۵۵۰ و ۶۰۹). در مجموع، شیخ در نظم و اداره امور کشور به حدی بادقت و با قدرت بود که مثل مشهور شاه می‌بخشد ولی شیخ علی خان نمی‌بخشد را درباره او گفته‌اند (هدایت، ۱۳۳۹، ج ۸: ۴۹۰؛ فسایی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۵۳). شیخ علی خان زنگنه در طول دوره صدارت خود، شمار قابل‌توجهی آثار و ابنیه عمومی شامل مدارس، مساجد و کاروان‌سراها ساخت که برخی از آن‌ها امروزه نیز همچنان پابرجاست و برخی نیز از بین رفته و فقط نام آن‌ها در متون دیده می‌شود. علاوه بر شهر اصفهان، مرکز حکومت صفوی، شیخ علی خان در بسیاری از شهرها و نقاط مختلف استان‌های امروزی همدان و کرمانشاه نیز بناهایی برپا کرده است (Matthee see ۲۰۱۵).

#### ۴. موقعیت وقفنامه شیخ علی خان در بیستون

وقفنامه شیخ علی خان در فاصله حدود ۹۰ متری غرب پیکره هرکول، ۷۰ متری جنوب شرقی کتیبه و نقش برجسته داریوش اول و ۵۰ متری شمال سراب بیستون، بر پایه کوه معروف بیستون نقر شده است. در مکان مذکور دو نقش برجسته مهم از دوره اشکانی قرار دارد که نقش مهرداد دوم (۹۱-۱۲۴ ق.م) به دلیل ایجاد وقفنامه تا حد زیادی از میان رفته است. خوشبختانه جوزف گرولو، طراح و همسفر ژان شاردن، کمی پیش از ایجاد وقفنامه، یعنی در سال ۱۶۷۳ میلادی، نقش برجسته مهرداد دوم را دیده و از آن طرحی تهیه کرد (نک. واندنبرگ ۱۳۴۸، ۱۰۶؛ کالج، ۱۳۸۰: ۲۸؛ محمدی فر، ۱۳۸۹: ۱۰۹)، که امروزه تنها منبع شناخت ما از نقش مذکور به شمار می‌رود (تصویر). بلافاصله در سمت راست نقش برجسته مهرداد دوم، یعنی در کنار ضلع شرقی وقفنامه شیخ علی خان، نقش برجسته دیگری از دوره اشکانی قرار دارد که به نقش پیروزی گودرز معروف است.



تصویر ۱: طرح گرولو از نقش برجسته مهرداد دوم در کوه بیستون، پیش از ایجاد وقفنامه شیخ علی خان بر روی آن (Herzfeld: Abb. ۱۱).

وقفنامه شیخ علی خان در بیستون، درون طاق‌نمایی به ابعاد ۳۶۴×۲۷۶ سانتی‌متر نقر شده و شامل ۱۵ سطر کتیبه به خط ثلث است (گلزاری، ۱۳۵۷: ۴۱۰) (تصویر ۲). درباره جایگاه خط ثلث در هنر خوشنویسی دوره صفوی، ذکر این جمله کفایت می‌کند که خط ثلث در هنر این دوره در صدر است و جایگاه معنوی و ویژه‌ای دارد و آنچه که در نگاه اول مشهود است، تعداد زیاد کتیبه‌های ثلث در معماری صفوی است (مکی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۳۴-۳۳). علاوه بر وقفنامه شیخ علی خان، یک وقفنامه دیگر در همین منطقه از دوره صفوی یا دوران پس از آن برجای‌مانده که به کتیبه پاقباله معروف است و به شکل طاق‌نمای مشابهی، اما با کتیبه‌ای به خط نستعلیق، بر روی دیواره یک کانال آبرسانی موسوم به جوی خسرو، در بخش جنوب غربی دشت بیستون جاری شده است (محمدی‌قصریان و خانم‌رادی، ۱۳۹۱: ۱۱۱). در مجموع، اگرچه ایجاد وقفنامه به شکل سنگ‌نیشته در سده‌های اخیر به‌ویژه در دوره قاجار کم‌وبیش رایج بوده است (نک: خسروی، ۱۳۸۸؛ خامه یار، ۱۳۹۰؛ محمدی، ۱۳۹۷)، اما وقفنامه‌های دوره صفوی را اغلب به شکلی که اکنون نیز مرسوم است، به‌صورت اسناد کاغذی مهور و معتبر عرضه می‌کردند و به‌ندرت نظیر آنچه که در مورد کتیبه شیخ علی خان در بیستون دیده می‌شود، وقفنامه بر صخره کوه نقر شده است.

## ۵. متن وقفنامه بیستون

متن وقفنامه شیخ علی خان در بیستون، به تفکیک سطور پانزده‌گانه آن، به شرح

ذیل است:

هو

یا مُفتح الابواب

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم و به نستعین یا وهاب

غرض از این سطور آن است که در شهر شوال سنه هزار و نود و سه ایت‌تیل نواب ۲

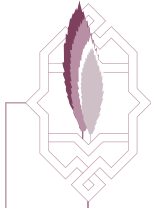
شیخ علی خان زنگنه وزیر دیوان اعلی نهر قراولی

چمچمال دینور را با مزارع تابعه چهاردانگ بر سادات فاطمی و دو دانگ بر کاروان‌سرا

بیستون وقف مؤید شرعی

۱. سال سگ (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳: ۳۶۸۰).

۲. نایب، عنوانی که در ایران عهد صفویه و قاجاریه به شاهزادگان و گاه شاهان اطلاق میشد (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ۲۲۷۷۲).



و تولیت آن را به خود مادام حیا و بعد از آن به اکبر اولاد ذکور خود و بعد الاکبر فالاکبر و بعد از ایشان باکبر ذکور اولاد مذکر و هکذا ما تعاقبوا و تناسلوا بشرط تقدم بطن اعلی بر بطن اسفل تفویض و شرط شرعی نمود که از حاصل وقف مزبور بعد از وضع خرج و حقوق دیوانی و بذر و حفر انهار و سایر مؤنات زراعت چهاردانگ بر آنچه گندم و جو باشد از سه خروار تا پانزده خروار تا پانزده خروار و باقی اجناس را بتسعیر وقت مسعرا و از همان اجناس یا بعینها قیمت آنها را که مساوی قیمت گندم و جو سه خروار تا پانزده خروار باشد بسادات فاطمی اثنی عشری دهد و رسد دو دانگ باقی را سال بسال بعمارت کاروانسرای بیستون صرف نموده هرچه باقی بماند برسم حق التولیه متولی متصرف شود و هرگاه ذکور اولاد نباشد تولیت مزبوره باکبر ذکور اولاد اناث متعلق است و با فقدان ذکور اولاد ذکور و اناث تولیت مسطوره باکبر ذکور اقارب واقف الاقرب فالاقرب تعلق دارد و شرط دیگر آنست که متولی در هر مرتبه وقف مزبور را مطلقاً بمتغلبه و بدیگران در مدة مدیده نه بعقد واحد و نه بعقود متعدده باچاره نهد و صدور و غیر هم دخل در وقف مذکور نکرده از متولیان طلب محاسبه ننمایند و در این باب وقفنامه چه شرعیه نوشته شده تحریراً فی شهر ربیع المولود سنه ست و تسعین بعد الالف محسن الامامی - زد رقم کلک مقیم هروی



تصویر ۲: نمایی از وقفنامه شیخ علی خان زنگنه در بیستون (عکس از مزگان خانمرادی).

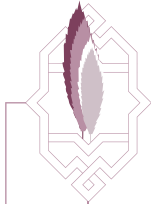


لازم به ذکر است که متن مذکور بر اساس بازخوانی‌های پیشین گلزاری و کشاورز بوده و جزء در چند مورد، تقریباً همان متنی است که در کتاب مرحوم گلزاری (۱۳۵۷: ۴۱۱-۴۱۳) آمده است. بر وقفنامه شیخ علی‌خان در بیستون آثاری از گلوله دیده می‌شود، که در مواردی به حروف و کلمات آسیب زده است (نک: کشاورز، ۱۳۸۲: ۸، پاورقی ۲۰). همان‌گونه که گلزاری نیز اشاره کرده (۱۳۵۷: ۴۱۱، پاورقی ۱)، حجار در هنگام نقر کتیبه مرتکب اشتباه شده و عبارت «تا پانزده خروار» دو بار، در انتهای سطر ۸ و ابتدای سطر ۹ تکرار شده است. به‌علاوه به نظر می‌رسد که در سطر ششم، حرفه در کلمه حیا از قلم افتاده است.

محسن امامی که نام او در انتهای سطر چهاردهم کتیبه آمده است، از خوشنویسان و کتیبه‌نویسان مشهور صفوی در نگارش خط ثلث بود که در دوره حکومت شاه سلیمان و اوایل حکومت شاه سلطان حسین صفوی می‌زیست و کتیبه‌های زیادی نیز به نام او، به‌ویژه در بناهای تاریخی اصفهان، عمدتاً مربوط به ۱۱۰۰-۱۰۹۳ ه.ق، برجای‌مانده است (فضایلی، ۱۳۶۲: ۳۵۱). مقیم هروی نیز که نام او در سطر آخر (پانزدهم)، جدا از متن وقفنامه، در عبارت زد رقم کلک... ذکر شده، حجار کتیبه مذکور بر سینه کوه بیستون است؛ بنابراین تاریخ ست‌وتسعين بعد الالف در انتهای کتیبه، تاریخ نقر آن است که برابر سال ۱۰۹۶ هجری قمری است و مشخص می‌شود که تاریخ نقر کتیبه سه سال بعد از تاریخ وقف بوده است. به‌عبارت‌دیگر شیخ علی‌خان در سال ۱۰۹۳ ه.ق زمین‌های مذکور را به شکلی که شرح آن گذشت، وقف نمود و سند آن را در اصفهان تنظیم و به مهر و تأیید علما و فقهای بنام آن روزگار چون ملامحمد باقر مجلسی، ملا میرزای شیروانی و آقا جمال خوانساری رسانید (نک: گلزاری و جلیلی، بی‌تا: ۱۵۷) و سه سال پس از آن، یعنی در سال ۱۰۹۶ هجری تصمیم گرفت که متن وقفنامه را بر سینه کوه بیستون نقر کند تا برای همیشه جاودان بماند. نسخه اصلی وقفنامه که در کتیبه بیستون از آن با عنوان «وقفنامه شرعی» یاد شده، بر کاغذ نگاشته شده و مفصل‌تر و دارای جزئیات بیشتری است.

## ۶. کاروان‌سرا و روستاهای مشمول وقفنامه

موقوفات شیخ علی‌خان در بیستون، بخشی از اراضی زراعی همین منطقه بوده است. در حوزه موقوفات، اراضی زراعی یکی از موارد وقف است و مستغلات و املاک هم شامل آن می‌شود (یوسفی‌فر و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۷). در وقفنامه شیخ علی‌خان در بیستون، جز



عبارت کلی «مزارع تابعه نهر قراولی چمچمال»، نامی از روستاهای مشمول وقف به میان نیامده است. این روستاها که به نام دو مورد از آن‌ها در منابع دوره قاجار از جمله در سفرنامه ناصرالدین‌شاه نیز اشاره شده، عبارت‌اند از بن‌عدی، چم‌بطان، فراش و قراولی. موقعیت امروزی روستاهای مذکور در تصویر ۶ مشخص شده است. لازم به ذکر است که امروزه زمین‌های زراعی روستاهای مذکور همچنان وقفی باقی‌مانده است (محمدی‌قصریان و خانمرادی، ۱۳۹۱: ۱۱۰).

اگرچه در متن کتیبه وقف‌نامه به نهر قراولی اشاره شده، اما به ساخت نهر مذکور توسط شیخ علی خان یا صفوی بودن این نهر اشاره‌ای نشده است. در نسخه اصلی وقف‌نامه از عبارت «نهر قدیم و نهر جدید» استفاده شده که قابل‌تأمل است. به نظر می‌رسد نهر جدید که احتمالاً منظور از آن همان نهر قراولی باشد، در همان دوره صفوی و نهر قدیم نیز پیش از آن، شاید در دوره ساسانی یا حکومت خاندان حسنویه (قرن چهارم ه.ق) ساخته شده باشد. محمدی‌قصریان و خانمرادی هم معتقدند که نهر قراولی آبراهی وقفی بود که به دستور شیخ علی خان زنگنه با هدف آبیاری زمین‌های زراعی متعلق به روستاهای مذکور کنده شده است (محمدی‌قصریان و خانمرادی، ۱۳۹۱: ۱۱۰). نهر مذکور از نقطه شروع در ساحل جنوبی رودخانه گاماسیاب تا به مقصد در محدوده روستاهای چم‌بطان، قره‌ولی حدود ۱۰ کیلومتر برآورد شده که بخش زیادی از آن در سال‌های اخیر از بین رفته است (محمدی‌قصریان و خانمرادی، ۱۳۹۱: ۱۱۰).

چنان‌که در شرح وقف‌نامه شیخی علی خان آمد، یکی از شروط وقف، اختصاص یک‌سوم از عواید سالیانه اراضی وقفی واقع در جنوب گاماسیاب، به کاروان‌سرا بیستون بوده است. شاردن در شرحی بر موقوفات می‌نویسد: اصولاً ایرانیان ساختن کاروان‌سرا را به سبب احتیاجی که بدان دارند، بر احداث مسجد مقدم می‌دارند. افراد خیر و متدین ساختن کاروان‌سرا را بر سر راه‌ها، مقدم بر همه خیرات و میراث می‌شمارند. در این کاروان‌سراها کاروانیان رایگان فرود می‌آیند و می‌آسایند (شاردن، ۱۳۷۲: ج ۲، ۵۰۶؛ ج ۳، ۹۳۹). در کتیبه سردر کاروان‌سرای بیستون آمده است که کار ساخت بنای مذکور در زمان سلطنت شاه سلیمان صفوی و به دستور صدراعظم او شیخ علی خان زنگنه به اتمام رسید (گلزاری، ۱۳۵۷: ۴۰۸). عضدالملک در اواخر سال ۱۲۸۳ ه.ق، مقارن سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار، در مسیر حرکت

۱. نام این روستا در منابع امروزی به صورت قره‌ولی آمده است، اما به نظر می‌رسد که شکل صحیح این نام، چنانکه در وقف‌نامه بیستون آمده است، «قراولی» باشد.

به عتبات از بیستون گذشت و درباره کاروان‌سرای بیستون نوشته است: «رباط آن‌جا را شیخ علی خان، وزیر شاه سلیمان صفوی طاب‌الله‌تراه، ساخته است؛ بسیار خوش وضع و محکم است. تحیر دارم از حاجی جعفرخان معمار که برحسب امر اولیای دول قاهره برای مرمت آن رباطات و پل‌های عرض راه‌ها [ی] عتبات عالیات مأمور گردید که اگر مرمت و عمارت نکرد چرا خرابی رسانید... مثلاً آجرهای بام بعضی از رباطها را کنده و به‌جای او گچ کشیده و آجرها را به مصرف دیگر رسانیده که حالا در وقت باران از سقف حجرات آب می‌چکد» (عضدالملک، ۱۳۷۰: ۶۶-۶۵). یک نویسنده ناشناس نیز در شرح سفر خود به عتبات عالیات در سال ۱۲۹۸ ه.ق در اظهارنظر جالبی نوشته است: «در بیستون، از سنگ، وقفنامه کاروان‌سرای بیستون را کنده‌اند و مشهور است به عقدنامه شیرین، ولی خواندیم شاه سلیمان صفوی کاروان‌سرا را وقف نموده بود...» (بی‌نام، ۱۳۹۳: ۵۱). چنان‌که خود نویسنده مدعی است، به نظر می‌رسد که او شخصاً کتیبه را خوانده است، هرچند که اشاره‌ای به نام شیخ علی خان نکرده است، اما این‌که در این زمان وقفنامه مذکور را عقدنامه شیرین می‌خواندند، حاکی از این است که بیشتر مردم عامی قادر به خواندن کتیبه نبودند و از ماجرای وقف نیز بی‌خبر بودند و به شیوه مرسوم آثار بیستون را به شیرین و فرهاد نسبت می‌دادند. همین نویسنده در راه بازگشت از عتبات بار دیگر از بیستون گذشت که اظهارنظر مجدد او از آن‌جهت که به نکات جالبی درباره وضعیت نابسامان کاروان‌سرا و عدم اجرای مفاد وقفنامه در این زمان اشاره دارد، قابل توجه است. وی نوشته است: «کاروان‌سرای بیستون را شاه سلیمان ساخته و دو ده هم که در یک فرسنگی بیستون است، وقف کرده که هر وقت خرابی به هم برساند از آن بابت خرج شود، موقوفه در زمان عمادالدوله، دست عمادالدوله بود و خرج می‌کرد تا زمان حشمت‌السلطنه ۲، مشارالیه به علمای کرمانشاهان واگذار نمود که مخارج نمایند، آن‌ها می‌گیرند حاصل دهات را و دیناری خرج نمی‌نمایند و کاروان‌سرا اگر به این طریق باشد، ده سال دیگر خراب خواهد شد که اثری باقی نباشد و این به جهت دولت خوبی ندارد، اگر قرار می‌گذاشتند به جهت این موقوفه که مصارف کاروان‌سرا شود خیلی خوب بود و باعث دعاگویی دولت می‌شد و وقفنامه دهات و کاروان‌سرا در بیستون از سنگ کنده‌اند و در کاروان‌سرا هم از سنگ تراشیده و نصب نموده‌اند.» (بی‌نام، ۱۳۹۳: ۱۴۶).

۱. والی غرب و حکمران کرمانشاه در زمان حکومت ناصرالدین شاه قاجار از ۱۲۹۲-۱۲۶۷ ه.ق.  
۲. فرزند و جانشین عمادالدوله و حاکم کرمانشاه در سالهای ۱۲۹۳-۱۲۹۲ ه.ق و ۱۲۹۸-۱۲۹۷ ه.ق.

بیست سال بعد، در سال ۱۳۱۸ ه.ق، همزمان با حکومت مظفردالدین شاه قاجار، صفاءالسلطنه در مسیر عتبات از بیستون گذشت و او نیز به همان شکل به مشکل کاروان‌سرای مذکور اشاره نموده و نوشت: «کاروان‌سرای آجری سنگی به فرمایش مرحوم شیخ علی خان، پیشکار شاه سلیمان صفوی، در این محل ساخته شده است. موقوفه دارد که متولی به موقوف‌علیه نمی‌گذارد و قریب‌الانهدام است» (صفاءالسلطنه، ۱۳۹۳: ۱۸۵). هوگو گروته در سال ۱۹۰۷ میلادی، همزمان با دوره حکومت محمدعلی شاه قاجار، پس از دیدن آثار مخروبه مسیر کرمانشاه - بیستون از جمله کاروان‌سرای بیستون، نوشته است: «... برج و باروی فروریخته کاروان‌سرای شاه سلیمان که در کنار آبادی بیستون قرار دارد، همگی از انحطاط و زوال حکایت می‌کند و با دیدن آن‌ها انسان بی‌اختیار به یاد گذشته درخشان ایران می‌افتد (گروته، ۱۳۶۹: ۱۱۶). کاروان‌سرای بیستون با وجود همه فراز و نشیب‌ها، تا به امروز برجای مانده و امروزه مرمت شده و در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است (تصویر ۴).



تصویر ۴: نمایی از کاروان‌سرای بیستون (عکس از مژگان خانمرادی)

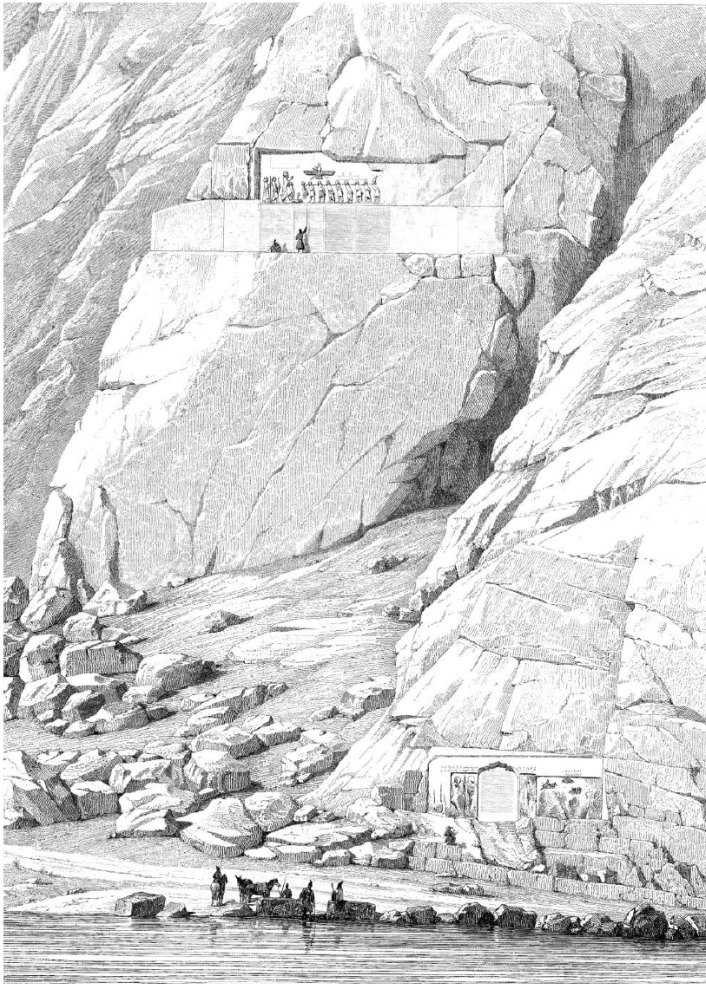
## ۷. وقفنامه شیخ علی خان در متون سیاحان ایرانی و غیرایرانی

گیوم آنتوان اولیویه، سیاح فرانسوی که در سال ۱۷۹۶ همزمان با حکومت آغامحمدخان قاجار، از بیستون دیدن کرد، به لوح (وقفنامه) مذکور و نقوش قدیمی‌تری که در اثر ایجاد آن تخریب شده بود، چنین اشاره نموده است: «در هر طرفی از این لوح، خطوط یونانی ملحوظ افتاد، چنانچه به‌درستی نام وزیری به لفظ گودز - گوترز خوانده می‌شد. در تحت خطوط، بعضی نقش‌ها بود که ضایع شده بودند» (اولیویه، ۱۳۷۱: ۴۶). پس از آن، در سال ۱۸۰۱ میلادی، همزمان با حکومت فتحعلی‌شاه قاجار، هالینگبری از هیئت سرجان ملکم، ضمن بازدید از آثار بیستون، دربارهٔ وقفنامهٔ مذکور نوشت: «در دامنهٔ کوه، روبروی جاده، یک جا دری روی صخره کنده‌کاری شده که روی آن متنی به عربی، اما با حروف فارسی حکاکی شده است و تاریخ آن ۱۰۹۶ هجری یا ۱۶۸۴ میلادی است. بر اساس این سنگ‌نبشته، کاروان‌سرای بیستون به وسیلهٔ شیخ علی خان، وزیر شاه سلیمان سومین پادشاه صفوی، ساخته شده است. برخی از خصوصیات این کاروان‌سرا، همچنین میزان زمینی که برای تعمیر و نگهداری و امور دیگر آن اختصاص داده‌شده، در توصیفی که شوالیه ژان شاردن از تاج‌گذاری شاه سلیمان به رشتهٔ تحریر درآورده، منعکس شده است» (هالینگبری، ۱۳۶۳: ۸۳). لازم به ذکر است که برخی اطلاعات هالینگبری از جمله ساخت کاروان‌سرای بیستون توسط شیخ علی خان در وقفنامهٔ بیستون نیامده است، ضمن آنکه ادعای هالینگبری مبنی بر اشارهٔ شاردن به موضوع کاروان‌سرای بیستون نیز صحت ندارد و دستکم در ترجمهٔ فارسی و نسخهٔ انگلیسی سفرنامهٔ شاردن که در اختیار نگارنده بود، سیاح مذکور به کاروان‌سرای بیستون اشاره‌ای نکرده است.

پس از آن در سال ۱۸۴۵ میلادی یعنی همزمان با حکومت محمدشاه قاجار، اوژن فلاندن، شرق‌شناس، معمار و نقاش معروف فرانسوی که عمدهٔ مشهوریتش به‌خاطر طرح‌های ارزشمند او و همکاری‌اش پاسکال کوست از آثار تاریخی ایران است، از بیستون دیدن کرد و دربارهٔ نقش‌برجستهٔ قدیمی اشکانی و وقفنامهٔ مذکور چنین نوشت: «حاج علی خان حاکم این ناحیه در موقع فرمانروایی خود خساراتی را که قرون متمادی به این عبارت [نقش و کتیبهٔ مهرداد دوم] واردآمده از جهتش کافی ندانسته و بدبختی و ناهنجاری آن را به حد اکمل رسانیده، یعنی قسمتی از وسطش را تراشیده و عبارتی دراز به زبان جدید در آن حک نموده است. دست نامروتش به‌کلی عبارت قدیمی را ضایع نموده و از بین برده است...» (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۹۵-۱۹۴). ره‌آورد سفر فلاندن،



طرح بسیار جالبی است که همکار و همسفر او، پاسکال کوست از آثار تاریخی کوه بیستون تهیه کرد و امروزه مبنای مناسبی برای بررسی وضعیت آثار مذکور در اواسط قرن نوزدهم میلادی به شمار می‌رود. در طرح مذکور، موقعیت وقفنامه شیخ علی خان واقع در پشت سراب بیستون و نیز کتیبه و نقش برجسته داریوش اول در ارتفاعی بالاتر در سمت چپ وقفنامه مشخص است (تصویر ۵).

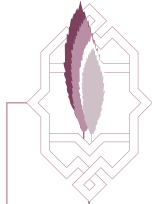


تصویر ۵: طرح فلاندن و کوست از آثار بیستون در سال ۱۸۴۵ میلادی، وقفنامه شیخ علی خان در پائین صحنه، در پشت سراب بیستون در طرح دیده می‌شود (فلاندن، ۱۳۵۶: ۲۵۰)

علاوه بر سیاحان خارجی، سیاحان ایرانی نیز در سفرنامه‌های خود به این اثر اشاره کرده‌اند. برای مثال ناصرالدین‌شاه قاجار در سال ۱۲۸۷ ه.ق در مسیر خود به عتبات از بیستون دیدن کرد و در سفرنامه خود توصیفی از آثار این کوه از جمله وقفنامه شیخ علی خان به شرح ذیل آورده است. «نزدیک زمین یعنی به ارتفاع چند ذرع، صفحه بزرگی از سنگ تسطیح کرده، اشکال بزرگ نقش کرده بودند که حالا اثری نمانده است. در همان صفحه شیخ علی خان زنگنه وقفنامه دو ده را که برای کاروان‌سرا وقف کرده است، حجاری کرده. این کاروان‌سرا بیستون را هم شیخ علی خان بنا کرده است. اسم دو ده موقوفه که آن طرف رودخانه گاماسیاب در دامنه کوه ملاحظه شده بود، قراولی و چمیطان است» (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۶۲: ۵۷). نکته جالب آنکه ناصرالدین‌شاه از دهکده‌هایی نام می‌برد که نام آن‌ها در وقفنامه بیستون نیامده است. این بدان معناست که ناصرالدین‌شاه، اطلاعات تکمیلی را از منابع معتبر یا اشخاص آگاه حاضر در محل دریافت کرده است. البته شکل درست نام این روستا چمبطان است که امروزه نیز به همان شکل است. ۱ در همین زمان، اعتمادالسلطنه، وزیر انطباعات ناصرالدین‌شاه، درباره این اثر نوشته است: «به حکم شیخ علی خان یا حاج علی خان زنگنه که از حکام کرمانشاهان بود در وسط این لوح به خط و زبان حالیه فارسی شرحی نوشته‌اند که معروف است وقفنامه یا قرار تقسیم آبی است که از دامنه کوه بیستون جاری است» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۳۶). وی در جای دیگری نوشته است: در همان صفحه شیخ علی خان زنگنه وقفنامه دو ده را که برای کاروان‌سرا وقف کرده است، حجاری کرده. این کاروان‌سرا بیستون را هم شیخ علی خان بنا کرده است. اسم دو ده موقوفه که آن طرف رودخانه گاماسیاب در دامنه کوه ملاحظه شده بود، قراولی و چمیطان است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۳۶). اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات ناصرالدین‌شاه و از همراهان او در سفر عتبات بود و به نظر می‌رسد که منبع اطلاعات او از وقفنامه با شاه مشترک بوده است.

پس از آن، ویلیامز جکسن در سال ۱۹۰۳ میلادی، هم‌زمان با حکومت مظفرالدین‌شاه قاجار، از بیستون و آثار تاریخی آن دیدن کرد و در شرح نقش‌برجسته مهرداد نوشت: «به استثنای نام گودرز که هنوز به طور وضوح قابل خواندن است. بیش‌ترین قسمت

۱. چم در گویش محلی به کنار و حریم رودخانه اطلاق میشود و به نظر میرسد که چم بطان به مکانی در اطراف رود گاماسیاب اشاره دارد که محل زیست مرغابی است. در سال ۱۳۲۴ ه.ق محمدحسین خان هروی افغانی، در مسیر سفر به عتبات، پس از بازدید از بیستون نوشت: «و از بسیاری آب و نیز از این قریه [بیستون]، مرغابیان گوناگون زیاد است، بطوریکه در یک نقطه انگزار این قدر مرغابی دیدم که در تمام عمر خود ندیده بودم» (هروی، ۱۳۹۳: ۳۶۱).



حجاری در حدود یک صد سال قبل در نتیجه نوعی وحشی‌گری و شهوت به ویران کردن آثار هنری از میان رفته است. بدین‌گونه که یکی از امرای ایرانی به نام شیخ علی خان زنگنه دستور داده است که درست در وسط حجاری، طاق‌نمایی احداث کنند تا کتیبه‌ای به خط عربی در آن بنویسند که حاکی از وقف درآمد و عایدات دو دهکده برای مخارج و نگهداری کاروان‌سراییی باشد که در بیستون ساخته است. متأسفیم که عمل سخاوتمندانه او به بهای خراب شدن یکی از حجاری‌های برجسته تاریخی تمام شده است» (جکسن، ۱۳۶۹: ۲۴۲). اشاره جکسن به دو دهکده وقفی مشخص می‌کند که او هم این اطلاعات را هنگام بازدید از بیستون از کسانی در محل دریافت کرده است.

در همین زمان، میرزا داود حسینی، معروف به وزیر وظایف که در سال ۱۳۲۲ هجری قمری هنگام بازگشت از سفر حج و عتبات، از بیستون دیدن کرد، درباره این اثر نوشت: «عصری رفتم بالای کوه، به تماشای آثار قدیمه، اول ما یُری کوه را صاف کرده‌اند و لوحی بزرگ به خط نسخ که در آخر آن هم رقم دارد، محسن آقا نامی، وقف‌نامه املاک است که شیخ علی خان زنگنه وقف کرده است» (وزیر وظایف، ۱۳۸۶: ۲۳۲). شرح میرزا داود جز آنکه وی به اشتباه خط ثلث را نسخ خوانده، حاوی شرح کلی و مختصری از نسخه حجاری شده در بیستون است که نشان می‌دهد وی کتیبه را از نزدیک دیده و خوانده و برداشت خود را از آن بازگو کرده است.

## نتیجه‌گیری

مکانی که وقفنامه شیخ علی خان بر آن نقر شده است، بر سر یکی از مهم‌ترین راه‌های ارتباطی آسیا قرار دارد که وجود آثار تاریخی ارزشمندی از دوره‌های مختلف پیش از تاریخی و تاریخی در این مکان، گواه آن است که بیستون و راه مذکور اهمیت خود را در طول هزاران سال همچنان حفظ کرده است. چنان‌که ملاحظه شد، موضوع اصلی وقفنامه شیخ علی‌خان در بیستون، اختصاص مقادیری زمین زراعی وقفی در همین منطقه و عایدات حاصل از آن به سادات فاطمی و نیز نگهداری کاروان‌سرای بیستون بوده است، که آن نیز عمدتاً مورد استفاده زوار حج و عتبات قرار داشت. بنابراین باتوجه به ماهیت مذهبی عمل (وقف)، و موقعیت خاص این مکان بر سر راه اصلی خراسان بزرگ، همچنین باتوجه به آنکه وقفنامه به شکل سنگ‌نیشته ایجاد شده است، می‌توان گفت که قطعاً یکی از اهداف شیخ علی‌خان از ایجاد این کتیبه در این مکان خاص، جنبه اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی آن بوده است، تا بدین‌وسیله پایبندی و التزام عملی خود را به مذهب رسمی کشور، به‌طور پیوسته و ابدی، به همگان یادآوری کند و عمل خود را جاودانه سازد.

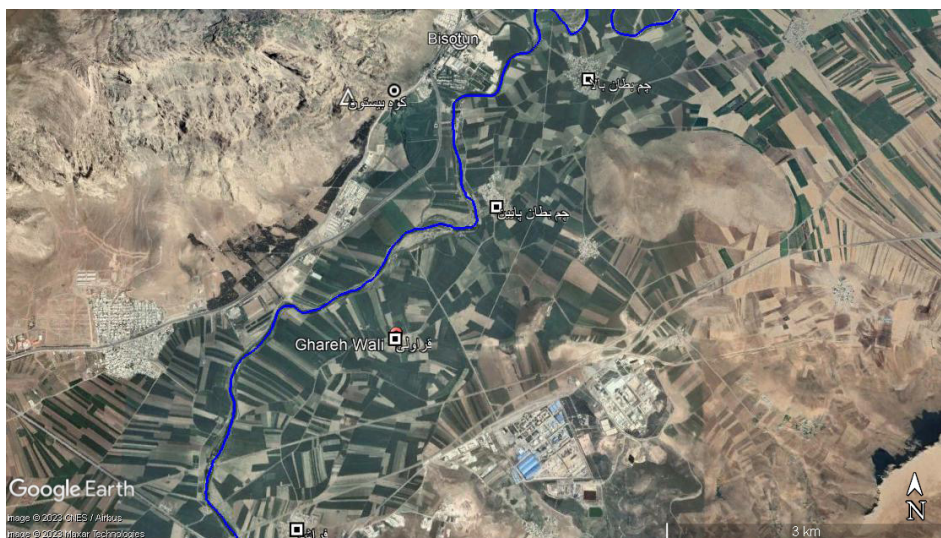
در مورد موقعیت وقفنامه بیستون، شاید یک دلیل مهم در انتخاب چنین نقطه‌ای برای ایجاد وقفنامه، موقعیت بسیار مناسب آن در نزدیکی چشمه، درست بر سر راه کاروان‌رو موسوم به جاده خراسان بزرگ، بوده است. ضمن آنکه به نظر می‌رسد که باتوجه به تمهیدات حجاران پیشین بر روی صخره، ایجاد اثر جدید، به صرف انرژی و زمان کمتری نیاز داشته و از این نظر مقرون‌به‌صرفه‌تر بوده است. با این حال، وقفنامه‌ای که شیخ علی خان بر روی یک اثر باستانی قدیمی‌تر ایجاد کرد، موجب واکنش‌های منفی دستکم از سوی شرق‌شناسان غربی در دو سده پیش شد که تا زمان حال نیز ادامه یافته است. البته چنین اقداماتی صرفاً محدود به شیخ علی خان نبوده و مواردی از این دست، بارها در تاریخ ایران روی داده است. نمونه آشنای این بحث، نقشی از بهرام دوم ساسانی (۲۹۳-۲۷۶م) است که بر روی نقش‌برجسته قدیمی‌تر از دوره عیلام نو ایجاد و سبب تخریب

۱. صرف‌نظر از آثاری چون نقش‌برجسته عظیم سمیرامیس، منتسب به ملکه نیمه‌افسانهای آشوری، که برخی مورخان یونانی چون کتزیاس و ایزیدور خاراکسی به وجود آن در این مکان اشاره کرده‌اند، و امروزه کمترین نشان و اثری از آن برجای نیست، اما وجود آثار بینظیر یا کم‌نظیر دیگری چون کتیبه داریوش اول هخامنشی، که مهم‌ترین کتیبه و سند ایران باستان به شمار می‌رود، همچنین سه نقش‌برجسته مهم اشکانی در این مکان، آنهم با وجود کم‌شمار بودن نقش‌برجسته صخره‌ای باقیمانده از شاهان این دوره، همچنین وجود آثار دیگری از دوره‌های سلوکی، ساسانی و اسلامی، گواه اهمیت آشکار بیستون در دوره‌های مختلف است.

آن شد (Schmidt see ۱۹۷۰: pls. ۸۶-۸۸; Ghirshman ۱۹۶۲: ۱۷۰). مورد دیگر نقش برجسته فتحعلی‌شاه قاجار در دژ رشکان شهر ری است که بر روی یک نقش برجسته ساسانی ایجاد و باعث محو آن شد، به نحوی که امروزه از نقش ساسانی فقط طرح‌ها و توصیفاتی از سیاحان و شرق‌شناسان غربی برجای مانده است (درودیان، ۱۳۹۴). در طاق‌بستان کرمانشاه نیز، در دوره قاجار، نقشی از محمدعلی دولت‌شاه فرزند فتحعلی‌شاه، در درون طاق بزرگ جاری شد که اگر چه مستقیماً بر روی نقوش ساسانی ایجاد نشد، اما آسیب فراوانی به منظر این اثر ارزشمند تاریخی زده و چنان بی‌جا و بی‌کیفیت انجام شده است که حتی ناصرالدین‌شاه قاجار به وجود آن معترض شده و در سفرنامه خود نوشته است: «بالای این صفحه، آغا غنی خواجه‌باشی محمدعلی میرزای مرحوم که از طوالش گیلان بوده است، زحمت کشیده صورت مرحوم شاهزاده را نشسته و حشمت‌الدوله و پسرش و پسر کوچک دیگرش را داده است جاری نموده، خود آغا غنی را هم با هیأت مکروه ایستاده در جلو شاهزاده نقش کرده‌اند، طوری بد و بی‌قاعده که واقعاً مهوع است و طاق را ضایع کرده است و بس که بد جاری شده روی اشکال را رنگ آمیزی کرده‌اند. الحق مایه تزیین طاق شده است» (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۶۲: ۶۷).

شاهرخ رزمجو معتقد است که این نوع تخریب آثار قدیمی‌تر که به دستور فرمانروای وقت انجام می‌شد، نه یک اقدام تلافی‌جویانه سیاسی یا از روی تعصب مذهبی، بلکه صرفاً به منظور ایجاد یک اثر جدیدتر صورت گرفته است (Razmju ۲۰۰۲: ۹۱). این تفسیر منطقی به نظر می‌رسد، زیرا علی‌رغم شخصیت مذهبی افرادی چون شیخ علی خان زنگنه که متون تاریخی به روشنی بر آن گواهی می‌دهند، اما به نظر می‌رسد که چنین اعمالی عمدتاً نتیجه ناآگاهی و بی‌توجهی بنیان اثر جدید نسبت به اهمیت تاریخی اثر پیشین بوده است. از دوره ناصرالدین‌شاه قاجار، یعنی از اواسط قرن نوزدهم میلادی، میزان آگاهی و درک عمومی نسبت به حفظ و نگهداری آثار تاریخی به تدریج فزونی یافت، هرچند که هیچ‌گاه، حتی در زمان حال، به شکل مطلوب و قابل‌انتظار آن نرسیده است.

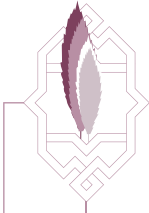
۱. شاردن، گزارشهایی از سختگیرهای شیخ علیخان زنگنه نسبت به پیروان مذاهب دیگر، به‌ویژه اروپاییان مسیحی و گزارشهای جالبتر و عجیبتری از اختلاف‌نظر شیخ با شاه سلیمان بر سر پایبندی به حدود شرعی و دوری گزیدن از عیشونوش ذکر کرده است. برای نمونه، درحالی‌که شیخ نسبت به عواقب سرپیچی از خواسته شاه در عدم همراهی و ننوشیدن شراب، وقوف کامل داشت، اما به دلیل منع مذهبی، از اجرای امر شاه شانه خالی کرد که همین موضوع منجر به خشم شاه و تنبیه و عزل موقت او شد و حتی شاه او را تهدید به مرگ نمود، اما واکنش شیخ علیخان چنین بود که جان من در ید قدرت شاه است، اما بر دینم حقی ندارد (نک: شاردن، ۱۳۷۲: ج ۲، ۵۴۸-۵۵۰؛ ج ۳، ۱۱۵۶).



تصویر ۶: موقعیت وقفنامه شیخ علی خان زنگنه، کاروانسرای بیستون و روستاها و مزارع مشمول وقفنامه در تصویر ماهواره‌ای (منبع گوگل ارث)

### سپاسگزاری

از خانم دکتر مزگان خانمرادی و آقایان مهدی خلیلی و فرهاد فتاحی که برخی منابع موردنیاز این پژوهش را در اختیار نگارنده گذاشتند، سپاسگزارم.



کتابنامه

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، (۱۳۶۷). *مرآةالبلدان*، تصحیحات و حواشی عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اولیویه، مسیو، (۱۳۷۱). *سفرنامه اولیویه، تاریخ اجتماعی-اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجاریه*، ترجمه محمد طاهر میرزا، تصحیح و حواشی دکتر غلامرضا ورهرام، تهران: انتشارات اطلاعات
- باستانی‌پاریزی، محمدابراهیم، (۱۳۶۲). *سیاست و اقتصاد عصر صفوی*، چاپ سوم، تهران: انتشارات صفی‌علیشاه
- بدلیسی، شرف‌الدین بن شمس‌الدین، (۱۳۷۷). *شرفنامه*، تصحیح ولادیمیر ولیامینوف، تهران: اساطیر، چاپ اول
- بی‌نام، (۱۳۹۳). «*سفرنامه، ناشناس سال ۱۲۹۸ ق*» در: *پنج سفرنامه یا سفر به اقلیم عشق*، تحقیق و تصحیح سید خلیل طاوسی، قم: مجمع ذخائر اسلامی، موسسه آل‌البیت‌لاحیاء‌التراث
- جعفریان، رسول، (۱۳۹۸). «*نسخه‌خوانی (۱۸)*، درنگی در جنگی؛ (مشمتمل بر چندین فرمان از شاهان صفوی و شماری یادداشت‌های تاریخی»، *آینه پژوهش*، سال سی‌ام، شماره ششم، صص ۱۰۲-۱۲۸
- جکسن، ویلیامز، (۱۳۶۹). *سفرنامه جکسن، ایران در گذشته و حال*، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی. چاپ سوم
- خامه‌یار، احمد، (۱۳۹۰). «*بازخوانی وقف‌نامه‌های سنگی مساجد تهران قدیم*»، وقف میراث جاویدان، شماره ۷۵، صص ۸۳-۹۴
- خسروی، محبوبه، (۱۳۸۸). «*وقف‌نامه‌های سنگی خوانسار (سنگ‌نبشته‌های موقوفات خوانسار)*»، *وقف میراث جاویدان*، شماره ۶۷، صص ۳۶-۴۱
- درودیان، سیاوش، (۱۳۹۴). «*پژوهشی درباره نقش برجسته ساسانی شهر ری*»، اثر، شماره ۷۱، صص ۵۳-۶۶
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷). *لغتنامه دهخدا، ۱۵ جلدی*، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. جلد پانزدهم
- سیوری، راجر، (۱۳۸۶). *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، جلد اول، تهران: انتشارات مرکز
- شاردن، ژان، (۱۳۷۲). *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: نشر توس.
- شهابی، علی‌اکبر، (۱۳۴۳). *تاریخچه وقف در اسلام*، تهران: اداره کل اوقاف.
- شورمیچ، محمد، (۱۳۹۵). *نقش حکومت صفوی در فراز و فرود نهاد وقف*. *وقف میراث جاویدان*، شماره ۹۳، صص ۳۷-۶۴
- عضدالملک، علیرضا بن موسی، (۱۳۷۰). *سفرنامه عضدالملک به عتبات*، تصحیح و تنظیم حسن مرسلوند، تهران: موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی
- عمید، حسن، (۱۳۸۹). *فرهنگ فارسی عمید*، ویراستار عزیزالله علیزاده، تهران: راه رشد.
- صفاءالسلطنه، (۱۳۹۳). «*روزنامه سفر کربلا، صفاءالسلطنه ۱۳۱۸ قمری*» در: *پنج سفرنامه یا سفر به اقلیم عشق*، تحقیق و تصحیح سید خلیل طاوسی، قم: مجمع ذخائر اسلامی، موسسه آل‌البیت‌لاحیاء‌التراث
- فسایی، حسن‌بن‌حسن، (۱۳۸۲). *فارسانامه ناصری*، تهران: امیرکبیر
- فضایی، حبیب‌الله، (۱۳۶۲). *اطلس خط (تحقیق در خطوط اسلامی)*، اصفهان: مشعل
- قنبری، علیشاه، (۱۳۹۳). *بررسی اقدامات، سیاسی، اداری و اقتصادی شیخ علی‌خان زنگنه*، پایان‌نامه

- کارشناسی ارشد، دانشگاه اراک، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه تاریخ.
- کالج، مالکوم، (۱۳۸۰). *اشکانیان (پارتیان)*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: هیرمند
  - کشاورز، اردشیر، (۱۳۸۲). *زندگان عرصه عشق: تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی وقف در استان کرمانشاهان*، کرمانشاه: طاق‌بستان
  - کمپفر، انگلبرت، (۱۳۶۳). *سفرنامه کمپفر به ایران*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ سوم
  - گروته، هوگو، (۱۳۶۹). *سفرنامه گروته*، ترجمه مجید جلیلود، تهران: نشر مرکز
  - گلزاری، مسعود، (۱۳۵۷). *کرمانشاهان-کردستان*، ج. اول، تهران: انجمن آثار ملی
  - گلزاری، مسعود، جلیلی، محمدحسین، (بی‌تا). *کرمانشاهان باستان؛ از آغاز تا آخر سده سیزدهم هجری قمری*، چاپخانه وزارت فرهنگ و هنر.
  - محمدی قصریان، سیروان، خانمرادی، مژگان، (۱۳۹۱). «بررسی سیستم آبیاری دشت بیستون به استناد مدارک تاریخی و شواهد باستان‌شناختی»، *باستان‌پژوهی*، دوره جدید، سال پنجم، شماره ۱۱-۱۰، صص ۱۱۴-۱۱۰
  - محمدی، خسرو، (۱۳۹۷). «وقف‌نامه سنگی موقوفه مسجد پیغمبر همدان»، *وقف میراث جاویدان*، شماره ۱۰۴، ۱۳۷
  - محمدی‌فر، یعقوب، (۱۳۸۹). *باستان‌شناسی و هنر اشکانی*، تهران: سمت
  - مکی‌نژاد، مهدی، (۱۳۸۸). «سیرتحول کتیبه‌های ثلث در معماری ایران (صفوی تا قاجار)»، *نگره*، شماره ۱۳، صص ۴۰-۲۹
  - مهدی‌نژاد، جمال‌الدین، مقیمی، مهین، (۱۳۹۶). «بررسی تأثیر وقف بر شکل‌گیری مدارس در ایران دوره اسلامی»، *نقش جهان*، شماره ۱۰۷، صص ۵۷-۴۹
  - ناصرالدین‌شاه قاجار، (۱۳۶۲). *سفرنامه ناصرالدین شاه*، بخت میرزا رضا کلهر، تهران: کتابخانه سنائی.
  - هالینگبری، ویلیام، (۱۳۶۳). *روزنامه سفر هیئت سرجان ملک‌م به دربار ایران*، مترجم امیرهوشنگ امینی، تهران: سکه
  - هدایت، رضاقلی‌خان، (۱۳۳۹). *روضه الصفاى ناصری*، تهران: بی‌جا.
  - هروی، محمدحسین خان، (۱۳۹۳). «*سفرنامه خان افغان*، محمدحسین خان هروی ۱۳۲۴ قمری» *در: پنج سفرنامه یا سفر به اقلیم عشق*، تحقیق و تصحیح سید خلیل طاوسی، قم: مجمع ذخائر اسلامی، موسسه آل‌البیت‌لاحیاء‌التراث
  - واندنبرگ، لوئی، (۱۳۴۸). *باستان‌شناسی ایران باستان*، با مقدمه رمن گیرشمن، ترجمه عیسی بهنام، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
  - وزیروظایف، داوود‌علینقی، (۱۳۸۶). *سفرنامه میرزا داوود وزیروظایف*، تصحیح علی قاضی‌عسکر، تهران: نشر مشعر، چاپ دوم
  - یوسفی‌فر، شهرام، محبوب فریمانی، الهه، فاطمی‌مقدم، زهرا، (۱۳۹۶). «مناسبتات مالک و مستأجر در اراضی و املاک وقفی آستان قدس رضوی در عصر صفوی»، *تحقیقات تاریخی، فصل‌نامه گنجینه اسناد*، سال بیست و هفتم، دفتر اول، صص ۶۶-۴۴

- Ghirshman, R.(1962). Iran: Parthes et Sassanides. Paris: Gallimard.
- Herzfeld, E., (1920) Am Tor von Asien, Felsdenkmale aus Irans Heldenzeit, Berlin.
- Matthee, R., (2015). "ŠAYK-‘ALI KHAN ZANGANA," Encyclopædia Iranica, online edition, 2015, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/shaykh-ali-khan> (accessed on 07 April 2023).
- Schmidt, E., (1970). Persepolis III: The Royal Tombs and Other Monuments. Oriental Institute Publications 70. Chicago: University of Chicago Press.